



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حیا و خود آرایی

ونقش آن در سلامت روانی زن

عباس رجبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حیا و خودآرایی و نقش آنها در سلامت روانی زن

نویسنده:

عباس رجبی

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- ۵ فهرست
- ۶ حیا و خودآرایی و نقش آن‌ها در سلامت روانی زن
- ۶ مشخصات کتاب
- ۶ گرسنه شکم و شهوت
- ۶ خاطره ای از آیت الله مروارید
- ۷ خاطره ای از امام خمینی در مورد حجاب
- ۷ نقل شده است : مردی در مدینه بود که همیشه از او بوی خوش به مشام می رسید .
- ۸ یکی از خلفای عباسی بر اهل بلخ در اثر ندادن مالیات غضب کرد و آن‌ها را سزاوار عقوبت دید .
- ۸ قسمتی از خاطرات اسدالله علم وزیر در بار شاه
- ۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حیا و خودآرایی و نقش آن‌ها در سلامت روانی زن

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۴-۴۸۰۷۰ سرشناسه: رجیبی عباس عنوان و نام پدیدآور: حیا و خودآرایی و نقش آن‌ها در سلامت روانی زن رجیبی عباس منشا مقاله: ، رسالت (۱۰ مرداد ۱۳۸۴): ص ۷. توصیفگر: زنان توصیفگر: اسلام توصیفگر: احادیث توصیفگر: حجاب توصیفگر: قرآن توصیفگر: چهره‌پردازی توصیفگر: حیا توصیفگر: عوامل روانی توصیفگر: بهداشت روانی توصیفگر: پوشش زنان توصیفگر: روان‌شناسان توصیفگر: جامعه‌شناسی موضوع: خمینی، روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- نظریه درباره زن

گرسنه شکم و شهوت

حضرت حجه الاسلام والمسلمین مروج الاسلام والدین حاج شیخ غلامرضا فیروزیان فرمودند: تابستان سال ۱۳۲۳ در ونک مستوفی منبر میرفتم. امام جماعت آنجا سید بزرگواری بود که آن با گذشت، ۵۵ سال نامش را فراموش کرده ام. بین گفتگوهایی که با هم داشتیم تعریف کرد: که یک روز صدای در منزل بلند شد، وقتی آمدم در را باز کردم، خانمی نیمه برهنه و بی حجاب و آرایش کرده و دست و سینه باز را مقابل خود دیدم، خواستم درب را ببندم و به او بی‌اعتنایی کنم. فکر کردم همین که در خانه یک روحانی با این قیافه آمده شاید معایب بی‌حجابی را نمیداند: و شاید بتوانم نصیحتش کنم. سرم را پائین انداخته و گفتم بفرمائید، داخل اطاق شده نشست، و مسئله‌ای در مورد ارث از من سؤال کرد. من گفتم خانم منم از شما می‌خواهم مسئله‌ای بپرسم اگر جواب دادید منم جواب می‌دهیم گفت: شما از من؟ گفتم بله. گفت بفرمائید؟ گفتم: شخصی در محلی مشغول غذا خوردنست غذا هم بسیار مطبوع و خوشبو است، گرسنه‌ای از کنار او می‌گذرد، پایش از حرکت می‌ایستد جلوی او می‌نشیند شاید تعارفش کند، ولی او اعتنا نمی‌کند. شخص گرسنه تقاضای یک لقمه میکند او میگوید: غذا متعلق بمن است و نمی‌دهم هر چه التماس می‌کند او به خوردن ادامه می‌دهد، خانم این چگونه آدمیست؟ گفت: آن شخص بیرحم از شمر بدتر است. گفتم: گرسنه دو جور است، یکی گرسنه شکم و یکی گرسنه شهوت. جوان غربی و گرسنه شوت، خانم نیمه برهنه و زیبایی را می‌بیند که همه نوع عطرها و آرایش‌های مطبوع دارد، هر چه با او راه می‌رود شاید خانم توجهی به او بکند و مقداری روی خوش به او نشان بدهد، جوان او اعتنا نمی‌کند. جوان: اظهار علاقه می‌کند، زن: محل نمی‌گذارد، جوان: خواهش می‌کند، زن می‌گوید: من نجیبم و حاضر نیستم با تو صحبت کنم. جوان التماس می‌کند، زن: توجه نمی‌کند. این خانم چگونه آدمی است؟ خانم فکری کرد و از جا حرکت کرد و از خانه بیرون رفت. فردا درب منزل صدا کرد، رفتم در را باز کردم، دیدم سرهنگی دم در ایستاده و اجازه ورود می‌خواهد، وقتی وارد اطاق شد و نشست. گفت: من شوهر همان خانم دیروزی هستم، وقتی که با او ازدواج کردم چون خانواده‌ای مذهبی بودیم از او خواستم با حجاب باشد، گفت: بعد از ازدواج، ولی آنچه به او گفتم و خواهش کردم تهدید کردم، زیر بار نرفت ولی دیروز آمد و از من چادر و پوشش اسلامی خواست، نمی‌دانم شما دیروز به او چه گفتید: ماجرا را به او گفتم: او با خود عبایی آورده بود. به من داد و تشکر کرد و رفت

خاطره‌ای از آیت الله مروارید

بنده در مراجعت از عراق بعد از قضایای مسجد گوهر شاد به واسطه قطع ارتباط بین مشهد و تهران که از ناحیه خود دولت به وجود

آمد. هر کس می خواست عبور کند می باید تحت کنترل باشد و مراقبت شود. چند روزی در تهران ماندم و بعد آمدم، بالاخره خیلی فشار می آوردند هم از جهت لباس و هم از جهت کشف حجاب زنان، وضع خیلی فجیعی به وجود آورده بودند. حتی در حرم مطهر به خُدام و پاسداران حرم دستور داده بودند که چادر و چارقد را از سر زنها بکشند و به یک تعبیر گفتند که گاهی شنیده می شد، عده ای خودشان در پای ضریح می گفتند: خجالت بکش با روسری نیا. زنهای خانواده ما و منسوب به ما، سحر از منزل بیرون می رفتند وصله ارحام به جا می آوردند. حتی یکی از خانمها را که مامور تعقیب کرد، حالتی برایش به وجود آمد که بعد از دو سه روز ناراحتی در منزل ما فوت شدند. از حجاب به شدت جلوگیری می کردند و دخترها را با اوضاع بدی در خیابانها رژه می بردند، کاملاً روشن بود که همه این کارها برای از بین بردن مظاهر دینی است.

خاطره ای از امام خمینی در مورد حجاب

برادر خادم یکی از محافظین بیت امام: یکی دیگر از موارد خاطرات من مساله دقت در رعایت حجاب نزدیکان امام از جانب ایشان بود بعضاً لازم می شد که ما به طور سر زده به خدمت ایشان برسیم و مطلبی را عرض نماییم. بلافاصله بعد از زدن درب و تقاضای ورود از جانب ما، اگر از بستگان امام نزد ایشان بودند، خیلی سریع می گفتند: که کمی صبر کنید و بعد به بستگان خویش تذکر می دادند چادر خود را بر سر گذارند، تا وارد شویم و بالعکس اگر ما در داخل خانه بودیم و یکی از بستگان امام قصد دخول داشتند، بلافاصله امام می فرمودند که: یا الله یا الله... نامحرم داخل اتاق است. البته امام برای تذکر اعلام کرد و گرنه بستگان امام همیشه رعایت حجاب خویش را می نمودند.

نقل شده است: مردی در مدینه بود که همیشه از او بوی خوش به مشام می رسید.

روزی شخصی علتش را از او پرسید. گفت: ای مرد! داستان من از اسرار است و باید این سر، بین من و خدای متعال باقی بماند. آن شخص او را قسم داد و گفت: دست از تو بر نمی دارم تا آن را بیان کنی. گفت: در اول جوانی، بسیار زیبا بودم و شغلم پارچه فروشی بود. روزی زنی و کنیزی در دکان من آمدند و مقداری پارچه خریدند؛ وقتی قیمت آن ها را حساب کردم، برخاستند و گفتند: ای جوان! این پارچه ها را تا منزل ما بیاور تا قیمت آن ها را تو بدیم. من هم برخاستم و با ایشان به راه افتادم. وقتی رسیدیم، ایشان داخل شدند و من مدتی بیرون ماندم. بعد از ساعتی، مرا به داخل خانه دعوت کردند؛ وقتی داخل خانه شدم، دیدم آن منزل از فرش های نفیس و پرده های الوان و ظرف های قیمتی زینت شده است. مرا نشانند و پذیرایی مفصلی کردند. بعد، آن زن چادر از سر برداشت. دیدم زنی بسیار زیبا و خوش اندام است که تا به حال مثل چنین زنی زا ندیده بودم. او خود را به انواع جواهرات و لباس های قیمتی و زیبا آراسته بود. آمد کنار من نشست و با ناز و کرشمه با من سخن گفت. بعد طعام آوردند؛ سپس به من گفت: ای جوانمرد! غرض من از خریدن پارچه، به دست آوردن تو بود. وقتی چشمم به او افتاد و مهربانی هایی از او دیدم، شیطان وسوسه ام کرد. نزدیک بود عقل خود را از دست بدهم و دامنم آلوده شود. در این هنگام الهامی از غیب به من رسید و کسی این آیه را تلاوت کرد: "وَأُمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ؛ و اما کسی که از مقام پروردگار خویش ترسید و نفس خود را از هوا و هوس نهی کرد، بهشت جایگاه دائمی او خواهد بود." در این هنگام لرزه ای بر بدنم افتاد و قاطعانه تصمیم گرفتم دامن پاک خود را به گناه آلوده نکنم. آن زن مشغول عشوهِ گری شد؛ اما من توجهی به او نکردم و روی خوشی نشان ندادم. چون او مرا بی میل دید، به کنیزان دستور داد چوب بسیاری آوردند، دست و پای مرا محکم بستند و روی زمین انداختند. بعد از آن به من گفت: یا مرا به مرادم می رسانی یا تو را به هلاکت می رسانیم؛ حال کدام را اختیار می کنی؟ گفتم: اگر مرا قطعه قطعه کنی و به آتش بسوزانی، مرتکب این عمل زشت نمی شوم و دامن خود را به

گناه آلوده نمی‌کنم. آن‌ها طوری با چوب مرا زدند که خون از بدنم جاری شد. با خود گفتم: باید حيله ای به کار ببرم و خود را از دستشان نجات دهم. فریاد زدم: مرا نزنید! دست و پای مرا باز کنید، من راضی شدم. مرا باز کردند، من هم راه دستشویی را از آنان سؤال کردم، داخل شدم و خود را به نجاست آلوده کردم و بیرون آمدم. وقتی آن زن و کنیزان نزد من آمدند، من هم با دست آلوده به طرف ایشان می‌رفتم و آنان می‌گریختند. در این هنگام وقت را غنیمت شمردم و فرار کردم، آن‌گاه خود را به آبی رساندم، جامه‌های خود را شستم و غسل کردم. ناگاه شخصی آمد لباس‌های نیکویی به من داد و من هم پوشیدم، سپس بوی خوشی به من مالید و گفت: ای پرهیزکار! چون تو پا بر نفس خود نهادی و از آتش روز جزا ترسیدی، تو را از این بلا نجات دادیم. آن‌گاه گفت: دل خوش دار که این لباس، هرگز کهنه و چرک نمی‌شود و این بوی خوش، هرگز از تو برطرف نمی‌گردد. از آن روز تاکنون، نه لباسم چرک شده و نه بوی خوش، از بدنم برطرف گردیده است. منبع: خزینه الجواهر؛ ص ۶۵۴

یکی از خلفای عباسی بر اهل بلخ در اثر ندادن مالیات غضب کرد و آن‌ها را سزاوار عقوبت دید.

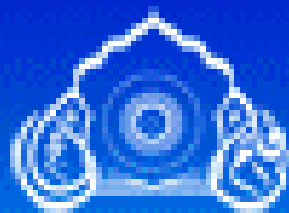
مردی را طلبید و او را به عنوان فرماندار و حکومت آن شهر، روانه کرد و تأکید کرد تا می‌توانی سخت‌گیری کن و مردم آن جا را در مضیقه‌ی مالی قرار ده و هیچ‌گونه مهربانی بر آنان روا مدار تا با وظایف خود آشنا شوند و به این وسیله مالیات دریافت گردد. فرماندار که از خود اراده‌ای نداشت، تسلیم امر خلیفه شد و روانه‌ی بلخ شد. وقتی به آنجا وارد شد، گفت: من از طرف خلیفه آمده‌ام و امر است که هرچه زودتر خراج اموال خود را بپردازید و هرکس نپردازد، گرفتار عقوبت است و جای او زندان خواهد بود. با نشر این اعلامیه، ولولہ‌ی عجیبی میان مردم برپا شد، سر و صداها زیاد شد و همه به هم ریختند و شب و روز آرام نداشتند. ضمناً فرماندار، زن و بچه همراه داشت. مردم فلک زده بلخ، هرچه فکر کردند، راه فراری پیدا کنند، نتیجه‌ای نبخشید. بنابراین مشورت کردند که به عنوان شفاعت نزد عیال فرماندار بروند تا شاید راه چاره‌ای به دست آید و یک مشت زن و بچه‌ی سر و پا برهنه از این سختی و تهدید راحت گردند. عده‌ی زیادی از زنان و بچه‌ها، با حالی آشفته خود را به عیال فرماندار رساندند و نزد او اظهار ناراحتی کردند و حوائج خود را بیان کردند. وضع رقت بار بچه‌های کوچک و زن‌های بی‌سرپرست، تأثیر به‌سزایی در روحیه‌ی آن زن با ایمان ایجاد کرد و او با دیدن این منظره، پیراهن مرصع به جواهر را که برای مجالس عروسی تهیه کرده بود، به شوهر خود داد و به جای مالیات مردم بلخ نزد خلیفه فرستاد که او از مردم آن شهر بگذرد. (قیمت پیراهن از مالیات بلخ بیشتر بود) فرماندار پیراهن را برداشت و به سمت مرکز، حرکت کرد. به منزل خلیفه رفت و پیران مذکور را در مقابل خلیفه گذاشت و در گوشه‌ای نشست. خلیفه پرسید: این چیست؟ گفت: خراج و مالیات بلخ است. چون مردم از پرداخت خراج عاجز بودند، همسرم این را فرستاد تا از آن‌ها بگذرید و در نتیجه، مردم آن‌جا آسوده خاطر باشند. خلیفه وقتی از این جریان باخبر شد، دانست که مردم در اثر فقر نمی‌توانند مالیات بپردازند و این زن برای نجات آنان چنین عملی انجام داده است. پس به همت والای او تحسین کرد و دستور داد از مردم بلخ برای همیشه مالیات نگیرند و پیراهن را به آن زن برگرداند. فرماندار، پیراهن را به بلخ برگرداند. زن گفت: من پیراهنی را که نظر نامحرم به آن افتاده باشد، نمی‌پوشم. آن را بفروشید تا در بلخ مسجدی بنا کنند. (که مسجد کنونی بلخ از فروش همان پیراهن است!) بعد از بنای مسجد، یک سوم آن پول زیاد آمد، آن را زیر یکی از ستون‌ها پنهان کردند که هر وقت مسجد به تعمیر احتیاج پیدا کرد، از آن پول استفاده کنند. عصمتیان را به مقام جلال جلوه حرام است مگر با حلال دیده به هر روی، نباید گشاد پای به هر کوی، نباید نهاد منبع: هزار و یک حکایت اخلاقی؛ محمدحسین محمدی، ص ۳۶۵

سه شبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ شرفیابی شاه از من به خاطر سخنرانی دیروزم در دانشگاه پهلوی شیراز تمجید کرد، به او گفتم که چه استقبال گرمی از من به عمل آمده بود ۳۰۰ دانشجو در استادیوم ورزشی (دانشگاه) اجتماع کرده بودند، البته از دیدن این همه دختر با چادر وحشت کردم. در زمان خودم در مقام ریاست دانشگاه چادر کم و بیش منسوخ شده بود. هر دختری که می خواست آن را بر سر کند تحقیر می شد. لیکن در کنفرانس دیروز سی نفرشان بودند، مناسب ندیدم که در آن لحظه اظهار نظری بکنم. ضمناً به من اطلاع داده شد که بعضی از این دختران از دست دادن با فرهنگ مهر، رئیس جدید دانشگاه خودداری کرده اند، و مدعی بودند که اسلام هر نوع تماس جسمانی را با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج ممنوع کرده است. شاه خیلی اوقاتش تلخ شد. (۱) پی نوشت: ۱- پاسداران حجاب، ص ۳۶

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزارای دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضورى و مجازى) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت : ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا : ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

